



۲۰۱۸/۰۲/۱۳

دوکتور ضیا نظام

## تبانی گروه های تروریستی با گروه های جرایم سازمان یافته؛ عامل عمده دوام جنگ ها در جهان

در حیات امروزی جنایت تروریسم منحیث یک پدیده ناهنجار در سرزمین های مختلف جهان به طور مشهود موجود و محسوس بوده که با حکومتات و مردم مناطق خویش در حالت جنگ و ستیز متداوم قرار دارند. البته در پهلوی بی کفایتی و ضعف قدرت حاکمه حکومت مرکزی، مداخله های مغرضانه و خصمانه کشورهای دیگر و همچنان حکومتداری های بد، علت مهم دیگر حصول منافع گزاف مالی تروریستان می باشد که در تبانی با گروه های جنایت کار سازمان یافته به دست می آورند. آنها ازین منافع جهت دوام فعالیت های خاینانه و جنایت کارانه خود و تأمین زندگی مرفه رهبران شان استفاده می کنند. این گروه ها با تداوم و طولانی شدن جنگ ها، میکانیزمی را ایجاد نموده اند تا عواید و درآمد سرشاری از طریق فعالیت های جنایت کارانه خود داشته باشد.

تعداد زیادی صاحب نظران- کارشناسان و تحلیل گران سیاسی عقیده دارند که جنگ های دوام دار و طولانی فعلی تروریستان بیشتر بر اساس منافع مالی شان استوار است نه در جهت تحقق اهداف و آرمان های عقیده وی- اندیشه ها و نظریات شان.

داعش مناطق وسیعی را در کشورهای عراق و سوریه اشغال نمود و بدین ترتیب کنترل ذخایر نفت و گاز، بانک ها، آثار باستانی و میراث های فرهنگی و عتیقه و سرمایه مردم مناطق متذکره را قبضه کرد.

در سال ۲۰۱۴ صرف از راه نفت که توسط گروه های قاچاقبر به کشور های مجاور به فروش رسیده، بیشتر از مبلغ صد میلیون دالر رقم زده شده است. همچنان از شیوه های معمول، مروج و مشهود این گروه تروریستی یکی هم عمل غیرانسانی و وحشت انگیز گروگان گیری است که در بدل آزادی گروگانان مظلوم درین سال داعش اضافه تر از ۲۰ میلیون دالر عاید داشته اند. به همین ترتیب این گروه از طریق غارت ناشی از حمله با بانک ها، مراکز و مارکیت های تجاری و تاراج دارایی های آنها، پول نقد و سایر اشیای قیمتی پول گزاف به دست آورده اند. به اضافه آن در نتیجه غارت و فروش آثار باستانی و عتیقه موزیم ها و فروشگاه های مناطق تحت اشغال خویش و حتی فروش حیوانات و اموال و غله مردم، پول زیاد را به دست آوردند. این اشیای چپاول شده توسط سازمان های مافیایی اکثرأً به کشورهای خارج قاچاق شده و به فروش می رسد.

مدرک دیگر مالی به این گروه عبارت از اختطاف و فروش دختران و زنان به عنوان برده جنسی است، چنانچه گروه تروریست و وحشی بوکوحرام به طور همیشه گی و دایم به این کار مبادرت می ورزند. اطفال و دختران جوان را از مکاتب به صورت دسته جمعی اختطاف نموده و از آنها استفاده جنسی نموده و به فروش هم می رسانند. چنانچه داعش هزاران دختر و زن از اقلیت های مذهبی به خصوص اقلیت یزدی را بعد از اختطاف از سنجان (عراق) به شمال عراق انتقال داده و به فروش رسانیدند.

بر اساس گزارش آژانس خبری العربیه، گروه داعش بعد از تصرف شهر موصل یعنی شهر عمده شمال عراق و شهر دوم آن کشور دست به دزدی و چپاول بانک ها و فروشگاه های بزرگ تجارتي آن شهر زده و در حدود ۴۳۰ میلیون دالر به دست آوردند. مطابق همین گزارش، در آن هنگام داعش غنی ترین گروه تروریست ها در جهان شناخته شد. زیرا در آن روزگار ثروت و دارایی های نقدی داعش در حدود ۹۰۰ میلیون دالر امریکایی تخمین زده می شد. البته مجموع دارایی و ثروت نقدی و غیر نقدی داعش به چند میلیارد دالر می رسید.

همچنان گروه داعش مناطق نفت خیز سوریه را در ولایت دهرالزور تحت کنترل خود قرار داده بود. داعش هر بشکه نفت حاصله از مناطق تحت کنترل خود را به نرخ ۱۲ دالر بالای گروه های دیگر قاچاقبر یعنی به ارزشی یک در چهارم نازلتر از نرخ اصلی آن به فروش می رسانید که با آنهم ثروت سرشاری را به دست می آورد. البته عایدات از فروش نفت و گاز منبع عمده عاید و درآمد این گروه تبه کار شمرده می شد. به اضافه از آن داعش در مناطق تحت سلطه خویش بانک نوت ها، پاسپورت ها و دیگر اسناد مهم بهادر را به شکل جعلی به چاپ می رسانید که از آن طریق نیز بر علاوه مدارک متذکره فوق پول های دیگری را هم به دست می آوردند.

شبکه القاعده دارای چندین شاخه و شبکه های فرعی است که یک تعداد سازمان های افراطی تروریستی را نیز احتوا می کند؛ این شاخه ها اکثراً هر کدام شان دارای منابع مستقل مالی بوده، عواید شان را از طریق فعالیت های غیرقانونی اعم از قاچاق مواد مخدر، آدم ربایی به مقصد ازدواج های اجباری، باج گیری و سایر معاملات غیر مشروع و غیرقانونی به دست می آورند که بیشترین آن در ارتباط با گروه جرایم سازمان یافته صورت می گیرد. درآمد و عواید این ها از راه باج گیری ها از گروگان ها به خاطر آزادی شان و عمدتاً اتباع کشورهای غربی مخصوصاً در شمال افریقا چشمگیر است که به میلیون ها دالر بالغ می شود. همچنین القاعده در قاچاق مواد مخدر مستقیماً سهیم می باشد. قاچاق و تجارت مواد مخدر به خصوص هیروین منبع مهم درآمد مالی برای القاعده در کشورهای پاکستان و آسیای میانه، کشورهای افریقایی و امریکایی لاتین می باشد. (کتاب Funding Evil / سرمایه گذاری شر، نوشته راشل اهرتفلد).

مشارکت القاعده با گروه های جنایت کار قاچاقی مواد مخدر در کشورهای امریکای جنوبی از اوایل دهه ۱۹۹۰م آغاز گردیده همکاری نزدیک با کارتل مواد مخدر مکزیکی دارد. مواد مخدر را از کولمبیا به کشورهای اروپایی و حتی بعضاً به ایالات متحده امریکا انتقال می دهند.

در گزارش که توسط هیأت ملل متحد در مورد ارتباط طالبان با گروه جرایم سازمان یافته به شورای امنیت آن سازمان ارایه گردیده (دلو ۱۳۹۳) حاکی از آنست که طالبان در حال گسترش روابط شان با قاچاقچیان مواد مخدر، حلقه های غیر قانونی استخراج معادن، قاچاقبران سنگ های قیمتی و آدم ربایان می باشند. در گزارش

متذکره اضافه گردیده که عاید این منابع سرشار از مجراهای غیر قانونی و به همکاری گروه های مافیایی باعث آن گردیده که این گروه به همچو امور مداومت و عادت نمایند و از همین لحاظ به پروسه صلح با حکومت افغانستان کدام علاقه و دلچسپی و تمایلی نداشته باشند.

در این گزارش از شورای امنیت سازمان ملل متحد تفضا به عمل آمده تا سعی نمایند با استفاده از تعزیرات وضع شده در جهت افشای چهره های طالبان و مختل کردن ارتباطات شان با شبکه های جنایت کاران سرعت عمل به کار برند. همچنین در گزارش توضیح شده که طالبان در شرکت های مختلف به مقصد پول شویی سرمایه گذاری های هنگفتی را به عمل آورده اند و علاوه بر آن به اخاذی های غیر قانونی از تجارت خانه ها پرداخته اند که عواید سرشاری را ازین مدرک به دست آورده اند.

بر وفق گزارش فوق طالبان در ساحه معادن یا مستقیماً در استخراج معادن سهم دارند و یا هم از دارندگان جواز استخراج به اخاذی های اجباری می پردازند و همچنان در بدل تأمین امنیت و ایجاد سهولت در استخراج غیر قانونی یاقوت جگدلیک کابل سالانه در حدود ۱۴ میلیون دالر به دست می آورند. در گزارش متذکره انعکاس یافته که طالبان دو سوم عاید معدن کرومیت ولایت پکتیکا را مستقیماً اخذ می نمایند و از سال ۲۰۰۵م به این سو ۱۶ میلیون دالر در بدل آزادی گروگان های خارجی عمدتاً غربی ها حاصل کرده اند.

در گزارش یاد شده تذکر رفته که گروه طالبان در ولایات شرقی و جنوبی افغانستان در تجارت صدور چوب به شمول چوب های چهارتراش ارچه نقش بارز داشته و با قطع درخت ها و قلع و قمع و از بین بردن جنگلات طبیعی و مناطق سرسبز آسیب بزرگی بر اقتصاد و ضربه شدید بر محیط زیست کشور وارد کرده است. به گزارش نیویارک تایمز عواید و درآمد طالبان از راه قاچاق مواد مخدر در حال افزایش و توسعه است. طالبان علاوه بر عواید درآمد هنگفت و سرشار از قاچاقبری ها و اخذ به اصطلاح خود شان عشر و نکات و مالیه در یک تعداد لابراتوارهای پروسیس هیروین یعنی پودر، در برخی از قسمت های افغانستان شریک بوده که تریاک را به هیروین تبدیل می سازد و به ارزش مادی آن می افزاید که به نرخ بسیار گزاف به فروش رسانیده می شود. بنابراین سهم و حصه شان ازین درآمد و عاید چشمگیر و نهایت قابل ملاحظه می باشد. چنانچه تخمین زده می شود که در داخل افغانستان هم اکنون به تعداد پنجمد ۵۰۰ لابراتوار فعال پروسس مواد مخدر موجود بوده و باید تذکر داد که درین اواخر به حدود ۲۵ باب ازین لابراتوارها به اثر حملات نیروهای هوایی بین المللی نابوده شده است و سلسله این حملات ادامه دارد.

برعلاوه علل و عوامل دیگر از قبیل موجودیت پناه گاه های طالبان در خاک پاکستان و کمک های فراوان آن کشور و برخی از کشورهای دیگر و بعضی سازمان های مغرض و اشخاص مربوط این کشور ها، عمدتاً کشور های حوزه خلیج، فساد گسترده در منطقه و افغانستان و حکومتداری های نامناسب و قانون شکن و موجودیت کشمکش ها و بی اتفاقی ها و عدم هماهنگی در داخل دستگاه حکومت، موضوع عواید و درآمد گزاف طالبان مسلح از طریق مواد مخدر و سایر فعالیت های غیرقانونی شان با همکاری سازمان های جنایت کار، سبب دوام جنگ با تروریسم و تروریسم می باشد.

با آنچه گفته آمدیم، در نتیجه جهت غلبه و موفقیت در برابر تروریسم که هم اکنون اکثر رهبران شان به زندگی مرفه در مناطق امن عادت کرده اند باید مبارزه جدی، قاطع و پیگرد در برابر این جنایت کاران منفعت جو و سازمان های جهنمی شان در سطح کشور و منطقه طور دوامدار و بلاانقطاع صورت گیرد. زیرا رابطه بین گروه های تروریستی و سازمان های جنایت کار هر روز بیشتر، قویتر و فعالتر می گردد و به این ترتیب انگیزه اقتصادی جنگ به تناسب جنبه عقیده وی آن رجحان یافته و بنابراین تمایل به صلح و آشتی ضعیف تر می گردد. این جنایت کاران از همین لحاظ جنگ را به یک جنگ دایمی و دوامدار مبدل ساخته و بالاخره مردم بی گناه و بی خبر از همه رویدادها، قربانی اعمال شوم آن ها گشته بر میزان تخریبات کشور به صورت مزاید افزوده شده و جلو هر پدیده مثبت و سازنده گرفته می شود و رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی را به رکود مواجه ساخته و حتی ناممکن گردانیده است. البته درین راستا کشورهای جانبدار بی ثباتی افغانستان مستقیماً دخالت دارند، چه درین حالت جنگ همچنان ادامه یافته بنابراین آنها می توانند اهداف استراتژیک خود را ادامه دهند، از جانب دیگر بار مصرف این جنگ از دوش شان کمتر می شود. در گزارش دیگر سازمان ملل متحد آمده که طالبان با قاچاقبران مواد مخدر به طور فزاینده و بیشتر به حیث (پدرخوانده) عمل می کنند تا حکومت در حال انتظار یعنی آنها ازین سازمان های جنایت کار محض به مقصد تأمین منافع اقتصادی خود حمایه و پشتیبانی می کنند.

در ماه دسمبر ۲۰۱۷م مدیر اجرایی دفتر ملل متحد علیه مواد مخدر و جرایم سازمان یافته UNODC طی راپور به شورای امنیت سازمان ملل متحد از وخامت اوضاع افغانستان به سبب تولید، قاچاق و استفاده از مواد مخدر متذکر شده که در سال های اخیر توجه کمتر به خطر مواد مخدر در افغانستان مبذول گردیده و باید عکس این موضوع در محور توجه جامعه جهانی قرار گیرد، زیرا در غیرآن نفوذ و تسلط بازیگران غیر حکومتی و گروه های خشونت بار و جنایتکار توسعه خواهد یافت که این پروسه باعث بی ثباتی های بیشتر در افغانستان و بالاخره هرج و مرج و بی ثباتی در منطقه خواهد گردید. وی تقاضا نمود که مبارزه پیگیر و جدی جهت جلوگیری و قطع دریافت پول تروریستان از درک مواد مخدر صورت گرفته و جریان مالی غیرقانونی قطع شود. لازم است برخورد با منفعت جویان مواد مخدر جدی و پیگیر بوده و پیگردهای قانونی جنایت کاران و مصادره دارایی های شان قاطع، قانونی و جدی باشد و هیچ نوع اهمال فروگذاشت و مراعات مدنظر نباشد.

دیده می شود که روز تا روز روابط تروریستان و گروه های جنایت کار سازمان یافته انکشاف می یابد و آنها تقریباً لازم و ملزوم یک دیگر گردیده، یکی نقش حمایت کننده را بازی می کند و دیگری تمویل کننده را. و به این صورت سازمان های تروریست به طرف خودکفایی در حرکت بوده و منفعت زیاد شان ازین رهگذر به آن ها بیشتر به بی ثبات سازی افغانستان و سایر کشورهای که در آن ها خلای قدرت وجود دارد، جراثم می بخشد.

این یک امر مسلم است که دوام بی ثباتی این کشورها و نبود حاکمیت قانون در آنها و همچنان ادامه جنگ ها به خاطر کسب منفعت های نامشروع شان به سود این گروه های تروریستی است و آنها هرگز به رضایت خویش از مواضع شان عقب نمی روند و نزد آنها مصالحه، قطع جنگ و آتش بس و سایر پدیده های مشابه بی مفهوم و بی معنی است. پس مبارزه جدی، پیگیری دوامدار و بلاانقطاع علیه این گروه ها در صدر وظایف حکومت مخصوصاً حکومت افغانستان باید قرار داشته باشد.

ناگفته پیداست که موجودیت حاکمیت قانون عمده ترین مبارزه علیه گروه های جرایم سازمان یافته می باشد. اما تطبیق قانون و توسعه حاکمیت در برابر تروریسم، جرایم سازمان یافته، قاچاقبران مواد مخدر، طالبان مسلح، گروه به اصطلاح دولت اسلامی عراق و شام (داعش) محض به گفتن یا تبلیغ کردن علیه آنها، مثر شمرده نمی شود، لذا ایجاب می کند علیه آن ها برنامه ها و اقدامات جدی، وسیعی و مؤثر بیشتری راه اندازی و تطبیق شوند. قبل از آغاز عملیات لازم است با تمام قوت های مسلح نظامی کار تبلیغی، سیاسی و مذهبی همه جانبه انجام شود، طوریکه به آنها فهمانده شود که از وطن واحد شان باید دفاع کنند. اگر وطن و خاک واحد و مقدس شان به خطر تجزیه و تخریب دیگری مواجه می شود، هیچکدام شان از ضرر و آسیب آن مصون نخواهند بود، آنها باید ملتفت ساخته شوند که روحیه های تبعیضی پیکر واحد وطن شان متلاشی خواهد ساخت، در غیر آن جبران آن ناممکن خواهد بود و پشیمانی سودی نخواهد داشت. آنانی که بر انواع تبعیض ها دامن می زند به آسیاب دشمنان کشور آب می ریزند، پس خود دشمنان این خاک اند. قوت های مسلح افغانستان باید هوشیار باشند و جلو هر نوع تبعیض و تخریب را قبل از قبل بگیرند تا به تفرقه و پراگندگی مواجه نشده با وحدت کامل فقط و فقط وطن، مردم و دین را محافظه کنند.

با چنین راهکاری شاید بتوان بر دشمن سوگند خورده و بی فرهنگ غالب شد و وطن را به سوی صلح و ثبات و رفاه و انکشاف سوق داد.

در عین حال، مبارزه با گروه های جنایتکار و سازمان یافته که تروریسم را تمویل می نمایند باید به صورت جدی و پیگیر دوام یابد تا سازمان های متذکره ضعیف گردیده و غلبه بر تروریستان سهل تر گردد.

پایان